روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

پنجشنبه | ۳۰ بهمن ۱۴۰۴ | اول رمضان ۱۴۴۷ | ۱۹ فوریه ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۵۴۰ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

| ۱۱۹۱ سال و ۱۷۱ روز گذشت |

حلول روزهای بندگی الهی؛ ماه مبارک رمضان را به عموم مسلمانان شاد باش می‌گوییم

چرا رؤیای قاره‌ای استقلال خیلی زود با حذف مقابل الحسین اردن فروریخت؟

ناکامی مطلق ۲ ستاره‌ها

صفحه ۶

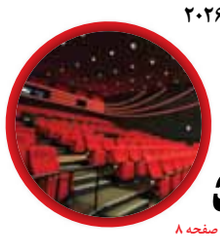

نگاهی به بلیت‌فروشی سینماهای جهان در سال ۲۰۲۶ و روندهای جدید آماری در آن

پایان تک‌قطبی هالیوود

صفحه ۸

روایت کارشناسان و رسانه‌های بین‌المللی از افزایش چشمگیر قدرت دفاعی ایران پس از جنگ ۱۲ روزه و غافلگیر شدن آمریکا در صورت حمله نظامی به ایران

سورپرایزهای دریا

ماجرای شکست آمریکا از ایران در جنگ فرضی

عکس: خبرگزاری مهر

صفحات ۲ و ۷

تیترهای امروز

«وطن امروز» گزارش می‌دهد بازنگری در حقوق کارکنان، همسان‌سازی بازنشستگان و تقویت یارانه‌ها در بودجه سال آینده

به نفع حقوق بگیران

صفحه ۳

چرا ترامپ همزمان گزینه‌های جنگ و توافق در برابر ایران را دنبال می‌کند؟

جنگ واقعی در ذهن‌هاست

همین صفحه

درباره مانور مشترک ایران، روسیه و چین در آب‌های جنوب ایران

رزمایش یا هندسه جدید قدرت

صفحه ۲

درباره دسته‌بندی سه‌گانه شهدا و جان‌باختگان حوادث اخیر

ابتکار روایت در جنگ شناختی

نگاه
ماشاءالله ذراتی

سه‌شنبه ۲۸ بهمن، حسینیه امام خمینی میزبان هزاران نفر از مردم غیور آذربایجان شرقی بود؛ دیداری که طبق سنت هر ساله در سالگرد قیام ۲۹ بهمن ۵۶ برگزار می‌شود اما امسال طنینی متفاوت و تاریخی داشت. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار، با عبور از تحلیل‌های سطحی و دوقطبی‌ساز، منشوری نوین را ترسیم کردند. دسته‌بندی سه‌گانه جان‌باختگان فتنه و کودتای دی‌ماه که توسط ایشان بیان شد، نه صرفاً یک گزارش یا تحلیل امنیتی، بلکه یک مانیفست تربیتی، اخلاقی و جامعه‌شناختی است که ریشه در عمق نگاه «رحمانی» اسلام و درک دقیق از «تحولات جامعه» دارد.

فصل اول: تجلی «رحمانیت الهی» در حکمرانی دینی؛ توسعه دایره شهادت

نخستین و مهم‌ترین لایه این بخش بیانات ایشان لایه الهیاتی و فقهی آن است. در قرائت‌های رادیکال و خشک از دین، جهان به ۲ دسته «مؤمن خالص» و «کافر مطلق» تقسیم می‌شود اما در مکتب اهل بیت(ع) و فقه پویای شیعه، طیف وسیعی از انسان‌ها در میانه این ۲ قطب قرار دارند. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تفکیک دقیق میان «سران فتنه و مزدوران» و «فریب‌خوردگان»، در واقع مرز میان «بغی» (شورش آگاهانه علیه حق) و «جهل» (ناآگاهی و هیجان) را ترسیم کردند.

۱- تفکیک میان «محارب» و «مستضعف‌فکری»: در منطق اسلام، مجازات و برخورد سخت متعلق به کسانی است که «عناد» دارند اما کسانی که تحت تأثیر بمباران رسانه‌ای دشمن، دچار خطای محاسباتی شده‌اند، در ادبیات دینی نوعی از «مستضعفان» محسوب می‌شوند. وقتی رهبر انقلاب اسلامی می‌فرمایند «آنها هم از ما هستند؛ آنها هم بچه‌های ما هستند»، در واقع در حال اجرای قاعده فقهی و قرآنی جذب حداکثری هستند. خداوند متعال بر بندگانش پیش از آنکه با صفت غضب تجلی کند، با صفت رحمت تجلی می‌کند (سبقت رحمته غضبه).

شهید محسوب کردن جوانی که فریب خورده و در میدانی که دشمن طراحی کرده جان باخته است، اوج نگاه رحمانی است. این نگاه می‌گوید: «نیت» و «بستر وقوع حادثه» مهم است. اگر این جوان می‌دانست پشت پرده این آشوب، تجزیه‌طلبی یا نابودی ایران است، قطعاً همراهی نمی‌کرد. پس او کشته «فریب» است، نه کشته «خیانت» و در نظام اسلامی، کسی که مظلومانه و بر اثر مکر دشمن جان دهد، شایسته رحمت و حتی عنوان شهادت است.

ادامه در صفحه ۷

چرا تروریست‌ها ۲۲ بهمن را هدف قرار ندادند؟

یادداشت
محسن ردادی

در روزهای پس از حوادث تلخ دی‌ماه ۱۴۰۴، همزمان با سوگواری خانواده‌های داغدیده، یک پرسش در گوشه‌وکنار فضای مجازی پیچید: «اگر قتل‌عام دی‌ماه کار تروریست‌های آمریکا و اسرائیل بود، چرا به راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن حمله نکردند؟» پرسشی که در نگاه اول ساده به نظر می‌رسد اما در لایه‌های زیرین خود نیازمند تأملی عمیق درباره ماهیت تروریسم، اهداف آن و منطق پنهان در پشت هر عملیات تروریستی است.

بر خلاف تصور رایج، تروریسم یک پدیده روان‌پریشانه و کور نیست. مطالعات دانشگاهی در حوزه تروریسم‌شناسی نشان می‌دهد گروه‌های تروریستی، چه در سطح منطقه‌ای و چه بین‌المللی، از «منطق معطوف به هدف» پیروی می‌کنند. به بیان ساده، آنها خشونت را برای انتقام‌جویی و عقده‌گشایی انجام نمی‌دهند، بلکه از خشونت به عنوان «ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی» استفاده می‌کنند. در واقع، هر عملیات تروریستی، با محاسبات دقیق برای رسیدن به هدف معین برنامه‌ریزی می‌شود.

تروریسم همیشه به دنبال «بیشینه‌سازی خشونت» نیست، بلکه به دنبال «بهینه‌سازی خشونت» است؛ یعنی انتخاب مکان، زمان و قربانیانی که بیشترین «بازده سیاسی» را برای آنها داشته باشد. گاهی کشتن یک فرد مشهور (مثل یک سیاستمدار یا روزنامه‌نگار) از کشتن صدها انسان عادی برای تروریست‌ها ارزشمندتر است. گاهی ایجاد وحشت در میان گروهی خاص از کشتن گروهی دیگر سودمندتر است.

بنابراین پاسخ ساده به سوال ابتدایی این یادداشت این است: تروریست‌ها به مراسم ۲۲ بهمن حمله نکردند، چون این حمله هیچ دستاوردی برای آنها نداشت. در تجمعات ۱۸ و ۱۹ دی، تروریست‌ها فعال بودند، زیرا کشتن معترضان اهداف آنها را برآورده می‌کرد.

در برخی زمان‌ها، تروریست‌ها به تجمعات و مکان‌های انقلابی و مذهبی حمله کرده بودند، زیرا از این حملات هدف خاصی داشتند: القای تصویر «ایران ناامن». برخی از این حملات تروریستی عبارت بود از:

حمله به حرم مطهر حضرت امام خمینی(ره) و مجلس شورای اسلامی(۱۳۹۶): هدف از این حملات تروریستی این بود که نمادهای جمهوری اسلامی مورد تعرض قرار گیرد و در ذهن مردم، جمهوری اسلامی متزلزل و بی‌ثبات تلقی شود.

حمله به رژه روز ارتش در اهواز (۱۳۹۷): هدف، ضربه زدن به نماد وحدت نظامی کشور در روزی که نیروهای مسلح اقتدار خود را به نمایش می‌گذارند، بود. این حمله می‌خواست بگوید «حتی در امن‌ترین لحظات نیز شما در معرض تهدید هستید».

حمله به حرم حضرت شاهچراغ (۱۴۰۱): هدف، ضربه زدن به امنیت اماکن مذهبی و نشان دادن آسیب‌پذیری زیارتگاه‌ها بود. این حمله می‌خواست مکان‌های مقدس مردم را که به صورت سنتی امن و مصون از حمله بودند، ناامن نشان داده و به این ترتیب ذهن مردم مؤمن و متدین را آزار دهد.

حمله در مسیر زائران شهید حاج‌قاسم سلیمانی در کرمان (۱۴۰۲): هدف، ضربه زدن به نماد مقاومت و حماسه ملی در سالگرد شهادت ایشان بود. این حمله می‌خواست در میان مردم انقلابی وحشت ایجاد و تأکید کند دشمنان محور مقاومت هنوز فعال باقی مانده‌اند.

در تمام این موارد، تروریست‌ها سراغ «مکان‌ها و زمان‌هایی رفتند که مردم در آنها حضور داشتند و آن حضور، خود یک پیام سیاسی یا مذهبی بود». آنها می‌خواستند با ایجاد وحشت در دل جمعیت، آن پیام را خنثی کنند. اما سؤال این است: چرا همین منطق درباره ۲۲ بهمن صادق نیست؟

برای پاسخ به این سؤال باید به «تفاوت هدف» در ۲ مقطع توجه کرد. حوادث دی ۱۴۰۴، ماهیتی کاملاً متفاوت با سایر رویدادهای تروریستی داشت. در این مقطع، بنا بر قرائن فراوان، کارفرمایان تروریسم (آمریکا و رژیم صهیونی) به دنبال اهداف زیر بودند:

۱- مشروعیت‌زدایی از جمهوری اسلامی در داخل: هدف تروریسم خیابانی دی‌ماه این بود که نظام جمهوری اسلامی را سفاک و خون‌ریز معرفی کند. تصویری که تروریست‌ها به دنبال ساختنش بودند، این بود که مردمی معترض با دست‌های خالی به خیابان آمدند اما نیروهای جمهوری اسلامی آنها را سرکوب کردند. این تصویر با قربانی کردن معترضان و مردم عادی توسط تروریست‌ها در دی‌ماه ساخته می‌شد اما با حمله به راهپیمایی عظیم ۲۲ بهمن چنین تصویری ساخته نمی‌شد و نتیجه عکس می‌داد. اگر در ۲۲ بهمن، تروریست‌ها راهپیمایان را مورد تعرض قرار می‌دادند، مردم بیش از پیش به نظام نزدیک می‌شدند و تروریسم را دشمن مشترک می‌دیدند.

۲- قربانی‌سازی برای جلب دخالت نظامی خارجی: هدف دوم کارفرمایان تروریست‌های دی‌ماه، مشروعیت‌بخشی به دخالت خارجی بود. هدف این بود که مردم ایران را اسیر جمهوری اسلامی نشان دهند و مدعی شوند بنابراین حمله نظامی به ایران یک مداخله بشردوستانه است. این تصویر، مقدمه‌ای برای مداخله‌های بعد (تحریم‌های شدیدتر، فشار بین‌المللی و حتی توجیه حمله نظامی) بود. حمله به راهپیمایی ۲۲ بهمن آیا می‌توانست چنین هدفی را برآورده کند؟ یا برعکس دشمنان کشور را در وضعیت انفعالی قرار می‌داد؟ طبیعی است با محاسبه این معادله‌ها، تروریست‌ها انگیزه‌ای برای انجام عملیات در ۲۲ بهمن نداشته باشند.

۳- ایجاد جنگ داخلی و شعله‌ور کردن آتش کینه: یکی از مهم‌ترین اهداف طراحان، به هم زدن انسجام ملی و کلید زدن یک «جنگ خیابانی» بود. برای این کار اتفاقا باید قربانیان از میان هر ۲ گروه مردم (موافقان و مخالفان نظام) انتخاب می‌شدند. به این وسیله جرقه‌ای زده می‌شد که در داخل، مردم در مقابل هم صف‌آرایی کنند. برای تحقق چنین سناریوی پلیدی، بهترین راه، کشتن همزمان نیروهای امنیتی و بسیجیان از یک سو و معترضان عادی از سوی دیگر بود. چنین طرحی این قابلیت را داشت که فضا را چنان ملتهب کند که ۲ طرف یکدیگر را متهم کنند و خیابان‌ها به میدان نبرد تبدیل شود. ۲۲ بهمن، چنین هدفی قابل تحقق نبود، زیرا آنجا همه مردم در یک صف بودند و وضعیت تقابل برقرار نبود.

علاوه بر اهداف راهبردی تروریست‌ها لازم است به یک عامل زمینه‌ای نیز اشاره کرد. تروریست‌ها برای اجرای یک حمله موفق، به شرایط خاصی نیاز دارند که ۱۸ و ۱۹ دی‌ماه این زمینه فراهم بود و در راهپیمایی ۲۲ بهمن فراهم نبود.

تاریکی شب: فراخوان‌های دی‌ماه، برای ساعاتی پس از تاریکی هوا (۳ ساعت از شب گذشته) تنظیم شده بود. تاریکی، هم به تروریست‌ها امکان جابه‌جایی می‌دهد، هم شناسایی آنها را دشوار می‌کند، هم ایجاد وحشت را تشدید می‌کند. ۲۲ بهمن اما مردم در روشنایی روز به خیابان می‌آیند.

پراکندگی جمعیت: معترضان در نقاط مختلف شهر پراکنده بودند و کنترل آنها ناممکن بود. این پراکندگی به تروریست‌ها اجازه می‌داد بی‌آنکه شناسایی شوند، ضربه خود را بزنند و در جمعیت گم شوند. در راهپیمایی ۲۲ بهمن، جمعیت در مسیری مشخص حرکت می‌کند و تحت نظر هزاران چشم و دوربین است.

التهاب و خشم: اقدامات رسانه‌ای باعث شده بود حاضران در فراخوان دی‌ماه بشدت خشمگین باشند و اشخاص برای خشونت و تخریب آمادگی داشته باشند. این فضای داغ و ملتهب بهترین فضا را برای فعالیت تروریست‌ها فراهم می‌کرد. در حالی که در راهپیمایی ۲۲ بهمن فضای آرام و همدلی جاری بود و اصولا جایی برای اقدامات تخریب‌گرانه باقی نماند. در این وضعیت، امکان شکل‌گیری اقدامات رادیکال و بعد تروریستی به حداقل می‌رسد.

برای فهم عملیات تروریستی دی‌ماه، مقایسه آن با اعتراضات سال‌های ۸۸، ۹۸ و ۱۴۰۱ مفید است. در آن دوره‌ها نیز اعتراضات گاه به اغتشاش کشیده می‌شد اما هرگز شاهد «قتل‌عام خیابانی» نبودیم. دی ۱۴۰۴ تعداد جان‌باختگان (اعم از نیروهای امنیتی و مردم عادی) به طرز وحشتناکی بالا بود. این تفاوت کمّی، نشان‌دهنده یک تفاوت کیفی است. اگر جمهوری اسلامی می‌خواست صرفاً اعتراضات را کنترل کند، روش‌های تجربه‌شده سال‌های ۸۸ و ۹۸ و ۱۴۰۱ را تکرار می‌کرد. با همان روش‌ها امکان مهار معترضان و حتی اغتشاشگران وجود داشت اما در دی‌ماه، با صحنه‌ای مواجه بودیم که هیچ شباهتی به کنترل اغتشاش توسط پلیس نداشت. تصاویر و فیلم‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد این یک جنگ خیابانی مسلحانه بود و البته رضا پهلوی نیز بر ماهیت این جنگ خیابانی صحه گذاشت. تروریست‌ها به دنبال کشتار هر ۲ طرف درگیر بودند تا از این طریق اهداف خود را برآورده کنند. به صورت خلاصه، تروریست‌ها به راهپیمایی ۲۲ بهمن حمله نکردند، چون این حمله نه‌تنها سودی برای آنها نداشت که به ضررشان تمام می‌شد. آنها به دنبال «جنگ داخلی» بودند، نه ایجاد «وحدت ملی» پس از شهادت راهپیمایان ۲۲ بهمن.

طرح تروریست‌ها دقیق بود اما آنچه آنها در محاسبه خود از آن غافل شدند، این است که مردم ایران، چه در ۲۲ بهمن و چه در سوگ شهدای دی‌ماه، همواره یک چیز را نشان داده‌اند: «اتحاد». سوگواری برای کشته‌شدگان، چه نیروی امنیتی و چه شهروند عادی می‌تواند به نماد جدیدی از همدلی تبدیل شود و این، بزرگ‌ترین شکست برای طراحانی است که می‌خواستند از دل خون، تفرقه بیرون بکشند.

جنگ واقعی در ذهن‌هاست

محمدصدرا مرادی: ۱- «بیش از یک میلیون نفر به خیابان‌ها آمده‌اند؛ دومین شهر بزرگ ایران تحت کنترل معترضان است و نیروهای حکومتی عقب‌نشینی کرده‌اند». این پستی است که دونالد ترامپ روز ۱۹ دی در شبکه اجتماعی تروث منتشر کرد. دقت کنید! این پست فردای آشوب‌های شامگاه ۱۸ دی منتشر شد؛ یعنی زمانی که اغتشاشات کاملا کنترل شد و شهر شرایط کاملا عادی داشت. پس چرا ترامپ چنین دروغی را مطرح کرد؟ آیا ترامپ این ادعا را بر اساس اطلاعاتی که از طریق موساد به او داده بودند منتشر کرد یا هدفش از طرح چنین دروغی، دامن زدن به اغتشاشات و ناامنی‌ها در ایران بود؟

۲- «ایران باید همان توافقی را که به آنها گفتم امضا می‌کرد. چه تاسفبار و چه جان‌هایی که هدر رفت. به طور ساده بگویم: ایران نباید به سلاح هسته‌ای دست پیدا کند. بارها و بارها این را گفته‌ام! همه باید فورا تهران را تخلیه کنند!» این پستی است که ترامپ شامگاه دوشنبه ۲۶ خردادماه، یعنی روز چهارم جنگ ۱۲ روزه در تروث منتشر کرد. چند ساعت قبل از انتشار این پست، رژیم صهیونیستی محل جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران را مورد هدف قرار داد. ترامپ که در اجلاس سران G7 در کانادا حضور داشت، بلافاصله این نشست را ترک کرد، به آمریکا بازگشت و این پست را منتشر کرد. او البته دقایقی پس از انتشار، این پست را حذف کرد. هدف ترامپ از انتشار این پست چه بود؟ بعد از توقف جنگ، برخی منابع رسانه‌ای فاش کردند ترامپ بر اساس اطلاعات موساد مبنی بر شهادت مقامات سیاسی و نظامی ایران در حمله به جلسه شورای عالی امنیت ملی، این پست را منتشر کرد. تخلیه تهران در راستای عملیات تروریستی هسته‌های مسلح و اوباش وابسته به موساد اعلام شد. البته ترامپ وقتی فهمید حمله به جلسه شورای عالی امنیت ملی ایران ناکام بوده است، این پست را حذف کرد. ضمن اینکه بعدها فاش شد هسته‌های مسلح تروریستی نیز به رابطان خود در موساد اعلام کرده بودند به خاطر تدابیر شدید امنیتی، همچنین فضای عمومی جامعه، عملا امکان اقدامات تروریستی در تهران را ندارند.

۳- اگرچه در جنگ ۱۲ روزه و حوادث تروریستی دی‌ماه، موساد توانست اقداماتی انجام دهد اما مشخص است برآوردهای موساد هم درباره سطح و میزان توانمندی نیروهای امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی و هم ذائقه جامعه ایرانی در مواجهه به ناامنی و آشوب، کاملا اشتباه بوده است. همین محاسبات اشتباه باعث شد هم در جنگ ۱۲ روزه پروژه آشوب ناکام بماند و هم در جریان آشوب‌های و اقدامات تروریستی اخیر، جامعه ایران با این پروژه همکاری نکند. ضمن اینکه توانایی نیروهای حافظ امنیت برای مقابله با آشوب‌ها نیز یک عامل کلیدی در ناکامی طراحی‌های موساد بوده است.

شکست‌های محاسباتی موساد، دست‌کم در ۲ مورد مشخص، باعث بی‌اعتباری ترامپ شد. به همین خاطر می‌توان حدس زد شاید اکنون ترامپ مانند قبل از جنگ ۱۲ روزه نسبت به ایده‌ها و طراحی نتانیاهو درباره ایران، اعتماد و اطمینان نداشته باشد. از سوی دیگر به اعتقاد کارشناسان، هم جنگ ۱۲ روزه و هم آشوب‌های اخیر در ایران، اگرچه ضرباتی به ایران وارد کرد اما هیچ‌کدام از مسائل آمریکا درباره ایران را حل نکرد. ضمن اینکه به اعتقاد کارشناسان، نتایج جنگ ۱۲ روزه نشان داد گزینه نظامی راه‌حل مطمئنی برای حل‌وفصل مساله هسته‌ای ایران نیست. از سوی دیگر، پاسخ‌های احتمالی ایران به هر نوع حمله نظامی آمریکا، تردیدهای ترامپ درباره نتایج این حمله را بیشتر کرده است. اگر حتی ترامپ قدری هزینه برای این حمله را هضم کند اما آنچه عامل نگرانی و تردید جدی او به حساب می‌آید، وضعیت تحقق اهداف جنگ است. مجموعه این عوامل باعث می‌شود این گمانه مطرح شود که شاید ترامپ نسبت به ایده‌ها و طرح‌های نتانیاهو درباره نحوه مواجهه با ایران، چندان مطمئن نباشد. البته تجربه جنگ ۱۲ روزه نشان داد مطلقا نباید بر اساس مواضع و رفتار ظاهری ترامپ، سیاست اصلی او در قبال ایران را ارزیابی کرد. به همین خاطر یک بی‌اعتمادی فراگیر نسبت به مواضع و اظهارات ترامپ در قبال ایران وجود دارد.

۴- ترامپ همچنان در اتخاذ تصمیم نهایی در قبال ایران، دچار ابهام و تردید است. به همین خاطر است که او گزینه‌های حمله نظامی و توافق را به صورت همزمان پیش می‌برد. سفر شتاب‌زده نتانیاهو به واشنگتن، در راستای متقاعد کردن ترامپ به بی‌نتیجه بودن مسیر دیپلماسی و اجرای سناریوی حمله نظامی بود. در مقابل نیز برخی کشورهای منطقه، همچنان در حال رایزنی با ترامپ هستند تا از گزینه جنگ صرف‌نظر کرده و از طریق مذاکره، مساله هسته‌ای ایران را حل‌وفصل کند. بنابراین مشخص است جنگ اصلی اکنون در ذهن ترامپ جاری است.

ادامه در صفحه ۲